



221

A



تطابق سوالات فلسفه و منطق ماز با کنکور ۱۴۰۱

رشته انسانی

گروه آموزشی ماز در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ تنها ۵ مرحله آزمون جامع برای کنکوری‌های انسانی برگزار کرد که در این فایل مطابقت مستند سوالات این آزمون‌ها با کنکور سراسری ۱۴۰۱ آورده شده است. در سال تحصیلی پیش رو (۱۴۰۱-۱۴۰۲) ۲۳ مرحله آزمون برای کنکوری‌های انسانی خواهیم داشت و به شما قول مطابقت بیش از ۸۰ درصد در همه دروس انسانی را می‌دهیم!

نیاز به هیچ گونه سواد نیست؛ سوال ماز که دقیقاً با آدرس ذکر شده در آزمون‌های ماز بوده رو بخون
بعدش سوال کنکور رو خودت حل کن (:



سوال ۲۳۷ آزمون جامع ۲ ماز

۲۳۷- در کدام گزینه احتمال وقوع مغالطه اشتراک لفظ منتفی است؟

- ۱) او و دوستان مبارزش در بیشتر سال‌های عمرشان با فقر مبارزه کردند.
- ۲) منصور شیر است. شیر سلطان جنگل است. پس منصور سلطان جنگل است.
- ۳) زیباترین و خاطره‌انگیزترین عکس‌های دوران نامزدی‌مان را خواهرم از ما گرفت.
- ۴) در بازار سهام، پورتنفوی یا سبد سرمایه‌گذاری، دارایی سهام‌داران را مشخص می‌کند.

پاسخ: گزینه ۲ (درس ۲ منطق - دشوار)

نکته: «اشتراک لفظ» فقط در جایی است که دو کلمه با ظاهری یکسان، دو دلالت **مطابقی** مختلف داشته باشند. بنابراین اگر لفظ «شیر» با معنای مطابقی یکسان ولی دلالت‌های مختلف به کار رود، اشتراک لفظ ندارد.

این مغالطه، توسل به معنای ظاهری است زیرا «شیر» در هر دو مقدمه به معنای مطابقی یکسان آمده است ولی در مقدمه اول دلالت التزامی بر شجاعت و قدرت دارد در حالی که در مقدمه دوم دلالتش مطابقی است. فرد مغالطه‌گر، مقدمه اول را هم به دلالت مطابقی گرفته است و لذا دچار توسل به معنای ظاهری است. توجه کنید که این مغالطه که در حوزه الفاظ و معنای، «توسل به معنای ظاهری» است، در حوزه قضایا و استدلال، «عدم تکرار حدوسط» هم هست. به عبارت دیگر، عدم تکرار حدوسط به جهت توسل به معنای ظاهری رخ داده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: حرف «با» می‌تواند به دو معنای «همراه با» و «در برابر» باشد. لذا احتمال مغالطه اشتراک لفظ وجود دارد.
 گزینه ۳: فعل «گرفت» می‌تواند به دو معنای «نداختن عکس» و «تحویل گرفتن عکس» باشد. لذا احتمال مغالطه اشتراک لفظ وجود دارد.
 گزینه ۴: حرف «یا» می‌تواند به معنای «حرف انفصال مانعة‌الرفع» و نیز به معنای «یعنی» و «یا همان» باشد. در فرض اول این عبارت یعنی دو عامل دارایی سهام‌دار را مشخص می‌کند: یکی پورتنفوی و دیگری سبد سرمایه‌گذاری. در فرض دوم این عبارت یعنی یک عامل است که دارایی سهام‌دار را مشخص می‌کند و آن عامل پورتنفوی است که همان سبد سرمایه‌گذاری است (یعنی می‌توان به آن پورتنفوی یا سبد سرمایه‌گذاری گفت). بنابراین حرف «یا» می‌تواند مغالطه اشتراک لفظ ایجاد کند.

نکته: «اشتراک لفظ» هم در اسمها اتفاق می‌افتد و هم در فعل‌ها و هم در حروف. معمولاً تشخیص اشتراک لفظ در فعل دشوارتر از اسم است و تشخیص اشتراک لفظ در حرف از آن هم دشوارتر است. بنابراین لازم است در تشخیص این انواع اشتراک لفظ تمرین بیشتری کنید. لطیفه‌ای که کتاب درسی درباره حمل بلوک‌های سیمانی با فرغون مطرح کرده است، اشتراک لفظ در حرف «با» است.

سوال ۲۳۶ کنکور انسانی ۱۴۰۱:

۲۳۶- در کدام گزاره، امکان وقوع مغالطه اشتراک لفظ وجود دارد؟

- ۱) ثروت آدمی در گوهر وجود او است.
- ۲) آینده درخشان این کودک از وجنات او هویدا است.
- ۳) خانه را دزد برده است؛ هرچه گشتم پیدایش نکردم.
- ۴) یکی از معلمانم را پس از مدت‌ها دیدم و از او چند عکس به یادگار گرفتم.

پاسخ گزینه ۴ است. اصلی‌ترین نکته این سؤال آن است که برانیم «عکس گرفتن» مشترک لفظی است. دقیقاً همین مطلب در گزینه ۳ سؤال ماز مطرح و در پاسخنامه توضیح داده شده است. توجه داشته باشید که مثال «عکس گرفتن» در کتاب درسی نیامده است ولی در آزمون ماز و کنکور آمده است.

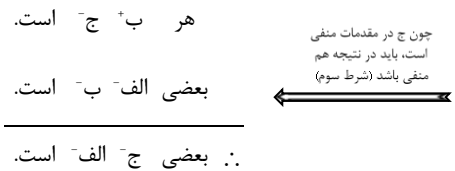
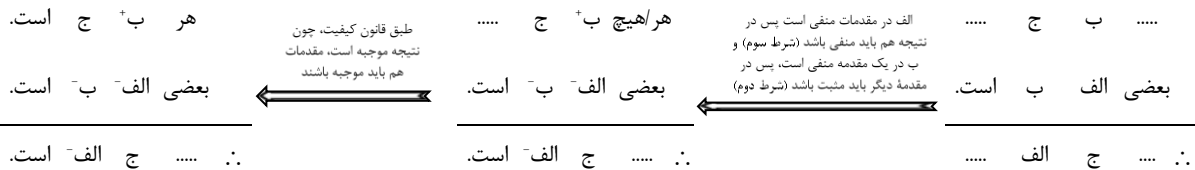


سوال ۲۴۰ آزمون جامع ۲ ماز

۲۴۰- اگر مقدمه دوم قیاس اقترانی معتبری از شکل چهارم «بعضی الف ب است» باشد، نتیجه آن
(۱) قطعاً سالبه جزئیه خواهد بود.
(۲) می‌تواند سالبه کلیه باشد.
(۳) قطعاً موجبه جزئیه خواهد بود.
(۴) می‌تواند موجبه کلیه باشد.

پاسخ: گزینه ۳ (درس ۸ منطق / دشوار)

در این گونه سوالات بدون اتلاف وقت، دیاگرام قیاس اقترانی را می‌کشیم و اطلاعات مسأله را روی آن پیاده می‌کنیم (ما برای توضیح مراحل حل سؤال، دیاگرام‌های متعدد می‌کشیم ولی شما باید همه فرایند حل سؤال را روی یک دیاگرام جلو ببرید). در اینجا قیاس شکل چهارم با مقدمه دوم «بعضی الف ب است» داریم. چون در این شکل حدوسط در مقدمه دوم، محمول است، پس «ب» حدوسط خواهد بود. توجه کنید که موضوع نتیجه از مقدمه اول و محمول نتیجه از مقدمه دوم انتخاب می‌شود. پس «الف» که در مقدمه دوم است، محمول نتیجه است:



بنابراین نتیجه قطعاً موجبه جزئیه است.

نکته: شرط سوم اعتبار قیاس در کتاب درسی به این شکل مطرح شده است که: «هر جزء نتیجه که مثبت بود، در مقدمات هم باید مثبت باشد». این شرط بیان دیگری دارد به این صورت: «هر جزء غیرحدوسط که در مقدمات منفی بود، در نتیجه هم باید منفی باشد». ما در حل این سؤال از بیان دوم شرط سوم استفاده کردیم چون علامت اجزای نتیجه را نمی‌دانستیم.

سوال ۲۴۱ آزمون جامع ۴ ماز

۲۴۱- کدام قیاس اقترانی علی‌رغم داشتن هر سه شرط اعتبار، نامعتبر است؟

- هیچ ب الف نیست. برخی الف ب است. هیچ الف ب نیست. هر الف ب است.
 (۱) برخی ج ب است. (۲) هیچ ج الف نیست. (۳) برخی ج ب است. (۴) هر الف ج است.
 ∴ هر الف ج است. ∴ برخی ب ج نیست. ∴ هیچ الف ج نیست. ∴ برخی ج ب است.

پاسخ: گزینه ۱ (درس ۸ منطق - ساده)

این قیاس هر سه شرط اعتبار را دارد ولی چون قانون کیفیت نتیجه در آن رعایت نشده، نامعتبر است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌های ۲ و ۴: معتبرند. گزینه ۳: «ج» در نتیجه مثبت ولی در مقدمات منفی است. لذا شرط سوم اعتبار را ندارد.

سوال ۲۴۱ کنکور انسانی ۱۴۰۱

۲۴۱- اگر نتیجه قیاسی «بعضی الف ج است.» و یکی از مقدمات آن «بعضی ب الف است.» باشد، کدام عبارت درباره مقدمه دیگر، نادرست است؟
(۱) موضوع و محمول آن، علامت یکسان دارند.
(۲) محمول آن هر چه باشد، علامت منفی دارد.
(۳) موضوع آن هر چه باشد، علامت مثبت دارد.
(۴) یا محمول یا موضوع آن، با موضوع نتیجه هم‌علامت است.

این‌گونه سوالات می‌توانند صورت‌های بسیار متنوعی داشته باشند. اما آنچه برای حل آن‌ها مهم است، تکنیک حل این سوالات است که بهترین و دقیق‌ترین تکنیک، همان روشی است که در پاسفنامه سؤال ۲۴۰ آزمون جامع ۲ ماز آموزش داده شده است و از طریق آن انواع و اقسام این خانواده از سوالات حل می‌شوند. ما به این روش «کشیدن دیاگرام قیاس» می‌گوییم. بعد از کشیدن دیاگرام قیاس، قانون نتیجه و سه شرط اعتبار به کمک می‌کنند تا مقدمه دوم را بازسازی کنیم. این ۴ قاعده در تست ۲۴۱ آزمون جامع ۴ ماز هم استفاده می‌شوند.



سوال ۲۴۲ آزمون جامع ۳ ماز

۲۴۲- قضیه شرطی موجود در کدام گزینه منفصل مانعة‌الجمع است؟

- (۱) سرویس‌های بهداشتی یا سرویس ایرانی ندارند یا فرنگی ندارند.
 (۲) گروه خونی هر انسانی یا از نوع A نیست یا از نوع O نیست.
 (۳) مدارک لازم برای استخدام: کارت پایان خدمت یا معافیت دائم.
 (۴) سازمان سنجش یا سوابق تحصیلی را تأثیر می‌دهد یا نمی‌دهد.

پاسخ: گزینه ۱ (ساده - درس ۹ منطق)

نکته: در مواقعی که دو طرف «یا» سالبه است، می‌توان دو طرف را مجبه کرد و بعد از تعیین نوع «یا» بین دو نسبت مجبه، طبق فرمول زیر نوع «یا»ی اولیه را به دست آورد:
 الف یا ب: حقیقی ← غیرالف یا غیرب: حقیقی
 الف یا ب: مانعة‌الرفع ← غیرالف یا غیرب: مانعة‌الجمع
 الف یا ب: مانعة‌الجمع ← غیرالف یا غیرب: مانعة‌الرفع

طبق این نکته در گزینه‌های ۱ و ۲، دو طرف «یا» را مجبه می‌کنیم تا نوع «یا» ساده‌تر قابل تشخیص باشد. می‌دانیم که سرویس بهداشتی یا ایرانی دارد یا فرنگی یا هر دو ولی نمی‌شود هیچ کدام نباشد، پس مانعة‌الرفع است. طبق نکته‌ای که گفتیم، «یا»ی اولیه مانعة‌الجمع بوده است (تأیید گزینه ۱). گروه خونی هم یا A است یا O یا هیچ کدام ولی نمی‌شود هر دو باشد، پس مانعة‌الجمع است. طبق نکته‌ای که گفتیم، «یا»ی اولیه مانعة‌الرفع بوده است (رد گزینه ۲). نمی‌توان هم کارت پایان خدمت داشت و هم معافیت دائم. از طرفی یکی از آن‌ها برای استخدام رسمی لازم است و نمی‌شود هیچ کدام را نداشت. پس انفصال حقیقی است. (رد گزینه ۳)

نمی‌شود هم سوابق تحصیلی را تأثیر داد و هم نداد و نمی‌شود هیچ کدام را هم انجام نداد (نه هر دو و نه هیچ کدام). بنابراین منفصل حقیقی است. (رد گزینه ۴)

سوال ۲۴۱ آزمون جامع ۵ ماز

۲۴۱- نوع کدام قضیه با قضیه‌های سایر گزینه‌ها فرق دارد؟

- (۱) هر خوراکی شیرینی یا ذاتاً شیرین است یا با چیزی شیرین شده است.
 (۲) هر انسان پولداری یا پدرش پولدار بوده است یا پدر همسرش.
 (۳) هر آشی که خوشمزه نیست یا درست نپخته است یا نمکش زیاد است.
 (۴) هر پول حلالی یا با زحمت به دست آمده است یا با تجارت.

پاسخ: گزینه ۱ (درس ۹ منطق - دشوار)

ممکن نیست یک خوراکی شیرین نه ذاتاً شیرین باشد (مثل عسل) و نه با چیزی شیرین شده باشد (مثل شربت آلبیمو که با شکر شیرین می‌شود). اما هر دو طرف با هم می‌توانند صادق باشند مثلاً می‌توان درون آب‌طالبی که خودش کمی شیرین است، شکر هم ریخت که شیرین‌تر شود (شاید هر دو و نه هیچ کدام: شرطی مانعة‌الرفع).

سایر گزینه‌ها: هیچ کدام شرطی نیستند زیرا در هر سه مورد دو طرف هم با هم صادق می‌شوند و هم با هم کاذب. پس قضیه غیرشرطی (غیرمنفصل) و دارای «یا» هستند.

نکته: هر جا «یا» دیدید سریع نگویید که شرطی منفصل است. زیرا ممکن است غیرشرطی باشد. برای تشخیص نوع «یا» از یکی از دو جدول زیر استفاده کنید:

مانعة‌الجمع	مانعة‌الرفع (مانعة‌الخلو)	حقیقی	غیرشرطی (حملی)	
خیر	بله	خیر	بله	(۱) آیا امکان دارد دو طرف «یا» با هم صادق باشند؟
بله	خیر	خیر	بله	(۲) آیا امکان دارد دو طرف «یا» با هم کاذب باشند؟

شرطی منفصل حقیقی	الف یا ب (نه هر دو و نه هیچ کدام)
شرطی منفصل مانعة‌الجمع	الف یا ب (نه هر دو و شاید هیچ کدام)
شرطی منفصل مانعة‌الرفع (مانعة‌الخلو)	الف یا ب (نه هیچ کدام و شاید هر دو)
غیر شرطی (حملی)	الف یا ب (شاید هر دو و شاید هیچ کدام)

سوال ۲۴۲ کنکور انسانی ۱۴۰۱

۲۴۲- کدام قضیه، منفصل حقیقی است؟

- (۱) جسم یا رسانا است یا غیرفلز.
 (۲) قضیه یا حملی است یا منفصل حقیقی.
 (۳) موجود یا جاندار است یا تنفس نمی‌کند.
 (۴) شکل یا چهار ضلع دارد یا مربع نیست.

این سؤال، مربوط به تشخیص نوع انفصال است که سؤال تپیکال کنکور است و روش کاملاً مشخصی دارد که در پاسفنامه سؤالات ماز شرح داده شده است.



سوال ۲۳۹ آزمون جامع ۵ ماز 🤔

۲۳۹- تعریف زیر چگونه است؟

«استقرای تعمیمی: استدلالی که در آن مقدمات از نتیجه حمایت نسبی می‌کنند.»

(۱) واضح نیست. (۲) جامع و مانع نیست. (۳) فقط جامع نیست. (۴) فقط مانع نیست.

پاسخ: گزینه ۴ (درس ۴ و ۵ منطق - ساده)

تعریف ذکر شده، «استقرا» است و شامل هرگونه استقرای تعمیمی هم می‌شود (جامع است) (رد گزینه‌های ۲ و ۳) ولی علاوه بر آن شامل انواع دیگر استقرا همچون استقرای تمثیلی و استنتاج بهترین تبیین نیز می‌شود (مانع نیست). این تعریف از جهت واضح بودن هم مشکلی ندارد (رد گزینه ۱).

سوال ۲۳۸ کنکور انسانی ۱۴۰۱ 🧩

۲۳۸- کدام یک از تعریف‌های زیر جامع و مانع نیست؟

(۱) موجود: آن چه دارای هستی باشد
(۳۷) فعل: کلمه‌ای که بر انجام کاری دلالت کند

(۲) اسب: حیوان اهلی دارای یال و دم

(۴) گیاه: موجود زنده دارای شاخه و برگ

بمط شرط جامع و مانع بودن تعریف و نحوه تشخیص آن، موضوع اصلی سؤال کنکور و سؤال ماز است.

گروه آموزشی ماز



سوال ۲۴۰ آزمون جامع ۴ ماز

۲۴۰- عکس مستوی قضیه «هر علتی معلول دارد» کدام است؟

- (۱) هر معلولی علت دارد.
 (۲) هر معلولی دارای علت است.
 (۳) بعضی معلول‌ها دارای علت‌اند.
 (۴) بعضی دارای معلول‌ها علت‌اند.

پاسخ: گزینه ۴ (درس ۷ منطق - متوسط)

نکته: در هنگام عکس کردن حتماً باید ابتدا جمله غیراسنادی را تبدیل به جمله اسنادی کنیم. سپس پیشنهاد می‌کنیم که دور کل عبارت محمول، پرانتز بگذارید که در هنگام جابه‌جایی موضوع و محمول هیچ بخشی از محمول جا نماند و به طور کامل به جایگاه موضوع منتقل شود.

«هر علتی معلول دارد» غیراسنادی است. پس باید اسنادی شود: «هر علتی دارای معلول است». حال دور محمول پرانتز می‌گذاریم: «هر علتی (دارای معلول) است». با توجه به اینکه عکس مستوی موجب کلیه، موجب جزئیه است، عکس مستوی موردنظر این می‌شود: «بعضی (دارای معلول‌ها) علت هستند».

سوال ۲۴۰ کنکور انسانی ۱۴۰۱

۲۴۰- رهبر یک حزب پس از پیروزی یکی از نامزدهای آن حزب در انتخابات گفت: «همه طرفداران ما به او رأی داده بودند. معلوم است که هر کس رأی داده، طرفدار حزب مردمی ما است.» چه نوع مغالطه‌ای در نتیجه‌گیری او وجود دارد؟

- (۱) تله‌گذاری (۲۶) ایهام انعکاس (۳) بزرگ‌نمایی (۴) تعمیم ناروا

پاسخ سؤال کنکور ایهام انعکاس است که در اثر عدم رعایت شرایط عکس مستوی برای مویبه کلیه ایجاب شده است. در سؤال ماز هم دقیقاً شرایط عکس مستوی مویبه کلیه مورد سؤال قرار گرفته است و نکات آن در پاسخننامه شرح داده شده است.



سوال ۲۴۴ آزمون جامع ۳ ماز

۲۴۴- به کدام روش شناختی می‌توان دریافت که یکی از راه‌های شناخت صحیح واقعیت، استفاده از حواس پنجگانه است؟
 (۱) شناخت عقلی (۲) شناخت حسی (۳) شناسایی حالات درونی نفس (۴) شناخت تجربی

پاسخ: گزینه ۱ (ساده - درس ۷ فلسفه یازدهم)

این یک گزارهٔ مربوط به معرفت‌شناسی است و لذا گزاره‌ای فلسفی محسوب می‌شود. همهٔ گزاره‌های فلسفی صرفاً با شناخت عقلی (تعقل محض) حاصل می‌شوند. توجه کنید که خود شناخت واقعیت‌های محسوس با حس به دست می‌آید ولی اینکه این ادراکات حسی مطابق با واقع هستند، چیزی نیست که بتواند با حس و تجربه درک شود و الا دچار دور و مصادره به مطلوب می‌شویم چون با خود حس، اعتبار حس را نشان داده‌ایم. حتی اگر بخواهیم حکم به بداهت اعتبار شناخت حسی کنیم، این حکم توسط عقل صادر می‌شود و از مبانی اعتبار شناخت حسی و تجربی است. از همین‌رو در معرفت‌شناسی از اعتبار ابزارهای شناخت بحث می‌شود.

سوال ۲۴۴ کنکور انسانی ۱۴۰۱

۲۴۴- کدام عبارت دربارهٔ قوهٔ عقل، درست است؟

- (۱) یافته‌های آن یا در ریاضیات به کار می‌رود یا در فلسفه.
- (۲) همهٔ قوای شناختی را مورد مطالعه و تحلیل قرار می‌دهد.
- (۳) شناخت‌های آن اساس و پایه هر نوع درک و آگاهی دیگری است.
- (۴) دریافت‌های آن به امور غیرمحسوس و ماورای طبیعت منحصر می‌شود.

موضوع اصلی سؤال ماز این است که بررسی ابزارهای شناخت بر عهدهٔ شناخت عقلی و قوهٔ عقل است. گزینهٔ جواب کنکور هم همین مطلب را مطرح کرده است.



سوال ۲۴۹ آزمون جامع ۲ ماز

۲۴۹- کدام قضیه از نظر نسبت‌های سه‌گانه متفاوت است؟

- (۱) این گاو تخم می‌گذارد. (۲) فیل سنگین‌تر از فنجان است.
(۳) فریاد بلند است. (۴) موسیقی نشاط می‌آورد.

پاسخ: گزینه ۳ (درس ۲ فلسفه دوازدهم - متوسط)

فریاد نوعی صدای بسیار بلند از سوی انسان است لذا ضرورتاً بلند است. پس نسبت این قضیه ضروری است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: اینکه گاو تخم‌گذار باشد، معمولاً ممتنع در نظر گرفته می‌شود زیرا تخم‌گذار بودن یک ویژگی برای انواع حیوانات است که گاو فاقد آن است. ولی اینکه یک گاو خاص تخم بگذارد امری محال عقلی نیست و وقوع آن به تناقض نمی‌انجامد. بنابراین قضیه موردنظر امکانی است.
گزینه ۲: گرچه به طور معمول فیل سنگین‌تر از فنجان است، ولی اگر این طور نباشد هم هیچ تناقض عقلی به وجود نمی‌آید لذا این قضیه رابطه امکانی دارد.
گزینه ۴: ممکن است یک موسیقی نشاط بیاورد یا نیاورد. پس رابطه این قضیه هم امکانی است.

سوال ۲۴۷ کنکور انسانی ۱۴۰۱

۲۴۷- رابطه میان موضوع و محمول در قضایای «برخی دانشجویان دیپلمه نیستند.» و «استوانه وزن ندارد.» به ترتیب، کدام است؟

- (۱) امکانی - امکانی (۲) امکانی - وجوبی (۳) امتناعی - امتناعی (۴) امتناعی - وجوبی

موضوع سؤال کنکور و ماز، تشفیص نسبت‌های سه‌گانه در قضایا است و فقط مثال‌ها فرق دارند. ولی راه تشفیص نسبت در همه مثال‌ها یکسان است.



سوال ۲۴۹ آزمون جامع ۳ ماز

۲۴۹- راه حل نهایی هیوم برای منشأ درک و پذیرش رابطه علیت چه بود؟

- ۱) علیت را به عنوان یک رابطه ضروری، فقط مبتنی بر تجربه و از طریق تداعی ذهنی می‌توان درک کرد و پذیرفت.
- ۲) راهی برای درک رابطه ضروری بین علت و معلول نداریم ولی بر اساس تجربه می‌توانیم تصور علیت را توجیه کنیم.
- ۳) چون با تجربه نمی‌توان علیت را مشاهده کرد و معرفت عقلی محض هم نداریم، سخن گفتن از علیت بی‌وجه است.
- ۴) عقل و تجربه هیچ‌کدام نمی‌توانند علیت را درک کنند اما این رابطه فارغ از عقل و تجربه در ذهن منعکس می‌شود.

پاسخ: گزینه ۲ (دشوار - درس ۳ فلسفه دوازدهم)

نکته: رابطه علیت در کتاب درسی به دو معنا به کار رفته است. یکی رابطه علیت واقعی که یعنی رابطه ضروری بین علت و معلول است و همه فیلسوفان از آن بحث کرده‌اند. این رابطه موردقبول عقل‌گرایان و فیلسوفان مسلمان از طریق شناخت عقلی محض و موردقبول تجربه‌گرایان غیر از هیوم از طریق حس و تجربه است. اما هیوم معتقد است چنین رابطه‌ای قابل شناخت و پذیرش نیست چون نه با حس و تجربه قابل درک است و نه شناخت عقلی محض معتبر است که بتواند چیزی را ثابت کند. معنای دوم علیت که فقط موردنظر هیوم است، اموری است که مردم به آن‌ها علت و معلول می‌گویند ولی رابطه واقعی و ضروری بین آن‌ها وجود ندارد و صرفاً بر اساس یک انعکاس و تداعی ذهنی به آن‌ها علت و معلول گفته می‌شود. هیوم چنین رابطه علیت ذهنی و غیرواقعی را بر اساس تداعی ذهنی مبتنی بر تجربه می‌پذیرد. پس اولاً نمی‌گوید با تجربه شناخته می‌شود و ثانیاً نمی‌گوید مبتنی بر تجربه نیست. بلکه تجربه بستری را فراهم می‌کند که ذهن در آن بستر، دچار تداعی و توهم می‌شود؛ لذا می‌توان گفت همکاری تجربه و توهم ذهنی است.

طبق نکته فوق گزینه ۲ درست است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: از نظر هیوم علیت به عنوان رابطه ضروری بین علت و معلول قابل شناسایی نیست.
- گزینه ۳: هیوم سخن گفتن از علیت را بی‌وجه نمی‌داند، بلکه معتقد است در اثر مشاهده تکرار و توالی حوادث، در ذهن چنین منعکس می‌شود که این امور علت و معلول هستند.
- گزینه ۴: انعکاس ذهنی علیت فارغ از تجربه نیست، بلکه در اثر مشاهده حسی و تجربی توالی حوادث است.

سوال ۲۴۹ آزمون جامع ۵ ماز

۲۴۹- با مبنا قرار دادن نظریه دکارت در باب منشأ درک و پذیرش رابطه علیت کدام گزینه مورد تأیید است؟

- ۱) شناخت تجربی خودش متکی به علیت است و نمی‌تواند در درک علیت و مصادیق آن نقشی ایفا کند.
- ۲) تنها ابزاری که می‌تواند علیت را درک کند فطرت است و عقل و حس از چنین ادراکی عاجزند.
- ۳) اگرچه درک رابطه علیت امری غیراکتسابی است اما پذیرش آن باید متکی بر تجربه باشد.
- ۴) انسان به صورت فطری و مادرزادی از علت و معلول‌های پدیده‌های مختلف آگاه نیست.

پاسخ: گزینه ۴ (درس ۳ فلسفه دوازدهم - دشوار)

از نظر دکارت اصل علیت اصلی فطری و عقلی است یعنی عقل انسان به طور مادرزادی و بدون استدلال و تفکر و نیز بدون بهره‌گیری از حس و تجربه آن را درک می‌کند و می‌پذیرد (رد گزینه‌های ۲ و ۳). اما کشف مصادیق آن نیاز به تجربه و آموزش دارد (رد گزینه ۱). لذا کودک در بدو تولد گرچه اصل علیت یعنی اینکه پدیده‌ها خود به خود ایجاد نمی‌شوند را می‌فهمد ولی نمی‌داند علت و معلول‌های پدیده‌های مختلف کدام‌اند.

نکته: از نظر دکارت ابزاری به نام فطرت نداریم. فطری بودن یعنی عقل به طور مادرزادی و غیراکتسابی درکی را در خود دارد. در مقابل دکارت، فیلسوفان مسلمان معتقدند که عقل به صورت غیرفطری و اکتسابی بر اساس استدلال، علیت را می‌فهمد و می‌پذیرد.

سوال ۲۴۸ کنکور انسانی ۱۴۰۱

۲۴۸- کدام عبارت درست است؟

- ۱) درک علت برخی از حوادث، به استفاده از حس و تجربه نیازی ندارد.
- ۲) از نظر هیوم، ضرورت میان علت و معلول نوعی تداعی در ذهن ایجاد می‌کند.
- ۳) دکارت معتقد است انسان علت هر معلولی را با درکی فطری، متوجه می‌شود.
- ۴) همه فیلسوفان توافق دارند که بدون تلاش‌های تجربی، پذیرش علیت ممکن نیست.

دیرگاه هیوم و دکارت در باب علیت در این تست کنکور مطرح شده‌اند که هر دو دیرگاه به طور دقیق در دو سؤال ماز شرح داده شده‌اند و با اطلاعات سؤال ماز به راحتی می‌شد به این تست پاسخ داد.



سوال ۲۵۰ آزمون جامع ۲ ماز

۲۵۰- معلول، با قطع نظر از علت چگونه است؟

- (۱) معدوم است. (۲) نه موجود است و نه معدوم. (۳) امکان ذاتی دارد. (۴) واجب‌الوجود بالغیر است.

پاسخ: گزینه ۳ (درس ۳ فلسفه دوازدهم - ساده)

نکته: توجه کنید که «قطع نظر از علت» به معنای عدم توجه به بودن یا نبودن علت است، نه به معنای نبودن علت. لذا نمی‌توان گفت معلول با قطع نظر از علت، معدوم است (رد گزینه ۱).

معلول با قطع نظر از علت، «امکان ذاتی» دارد؛ یعنی ذات و ماهیتش نسبت به وجود و عدم مساوی است. همچنین هر چیزی یا موجود است یا معدوم و نمی‌شود نه موجود باشد و نه معدوم زیرا ارتفاع دو نقیض محال است (رد گزینه ۲). واجب‌الوجود بودن بالغیر هم صفتی است که فقط در زمان وجود علت، برای معلول ثابت می‌شود ولی وقتی از علت قطع نظر کرده‌ایم، توجه نداریم که وجود دارد یا نه (رد گزینه ۴).

سوال ۲۴۹ آزمون جامع ۳ ماز

۲۴۹- راه حل نهایی هیوم برای منشأ درک و پذیرش رابطه علیت چه بود؟

- (۱) علیت را به عنوان یک رابطه ضروری، فقط مبتنی بر تجربه و از طریق تداعی ذهنی می‌توان درک کرد و پذیرفت.
(۲) راهی برای درک رابطه ضروری بین علت و معلول نداریم ولی بر اساس تجربه می‌توانیم تصور علیت را توجیه کنیم.
(۳) چون با تجربه نمی‌توان علیت را مشاهده کرد و معرفت عقلی محض هم نداریم، سخن گفتن از علیت بی‌وجه است.
(۴) عقل و تجربه هیچ‌کدام نمی‌توانند علیت را درک کنند اما این رابطه فارغ از عقل و تجربه در ذهن منعکس می‌شود.

پاسخ: گزینه ۲ (دشوار - درس ۳ فلسفه دوازدهم)

نکته: رابطه علیت در کتاب درسی به دو معنا به کار رفته است. یکی رابطه علیت واقعی که یعنی رابطه ضروری بین علت و معلول است و همه فیلسوفان از آن بحث کرده‌اند. این رابطه موردقبول عقل‌گرایان و فیلسوفان مسلمان از طریق شناخت عقلی محض و موردقبول تجربه‌گرایان غیر از هیوم از طریق حس و تجربه است. اما هیوم معتقد است چنین رابطه‌ای قابل شناخت و پذیرش نیست چون نه با حس و تجربه قابل درک است و نه شناخت عقلی محض معتبر است که بتواند چیزی را ثابت کند. معنای دوم علیت که فقط موردنظر هیوم است، اموری است که مردم به آن‌ها علت و معلول می‌گویند ولی رابطه واقعی و ضروری بین آن‌ها وجود ندارد و صرفاً بر اساس یک انعکاس و تداعی ذهنی به آن‌ها علت و معلول گفته می‌شود. هیوم چنین رابطه علیت ذهنی و غیرواقعی را بر اساس تداعی ذهنی مبتنی بر تجربه می‌پذیرد. پس اولاً نمی‌گوید با تجربه شناخته می‌شود و ثانیاً نمی‌گوید مبتنی بر تجربه نیست. بلکه تجربه بستری را فراهم می‌کند که ذهن در آن بستر، دچار تداعی و توهم می‌شود؛ لذا می‌توان گفت همکاری تجربه و توهم ذهنی است.

طبق نکته فوق گزینه ۲ درست است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: از نظر هیوم علیت به عنوان رابطه ضروری بین علت و معلول قابل شناسایی نیست.
گزینه ۳: هیوم سخن گفتن از علیت را بی‌وجه نمی‌داند، بلکه معتقد است در اثر مشاهده تکرار و توالی حوادث، در ذهن چنین منعکس می‌شود که این امور علت و معلول هستند.
گزینه ۴: انعکاس ذهنی علیت فارغ از تجربه نیست، بلکه در اثر مشاهده حسی و تجربی توالی حوادث است.

سوال ۲۴۸ آزمون جامع ۴ ماز

۲۴۸- کدام عبارت درباره علت تامه و علت ناقصه درست است؟

- (۱) علت تامه شرط کافی برای وجود علت ناقصه است.
(۲) علت ناقصه شرط لازم برای وجود علت تامه نیست.
(۳) علت تامه شرط لازم و کافی برای وجود علت ناقصه است.
(۴) علت ناقصه شرط لازم و شرط کافی برای وجود علت تامه نیست.

پاسخ: گزینه ۱ (درس ۴ فلسفه دوازدهم - متوسط)

توجه: مقصود از «شرط کافی» و «شرط لازم» همواره معانی منطقی آن‌هاست یعنی «شرط کافی» به معنای «دلیل تام و کافی» و «شرط لازم» به معنای «لازمه عقلی و منطقی» است. بنابراین معنای فلسفی «شرط» که همان «علت ناقصه» یا «زمینه لازم» برای ایجاد چیزی است، هیچ‌گاه با تعبیر «شرط لازم یا کافی» بیان نمی‌شود.

اگر علت ضرورت‌بخش (علت تامه) از مجموعه‌ای از عوامل تشکیل شده باشد، به هر یک از آن عوامل علت ناقصه می‌گویند. بنابراین در صورت وجود علت تامه، همه علت‌های ناقصه هم حتماً موجودند و این یعنی علت تامه شرط کافی برای وجود علت ناقصه است و علت ناقصه شرط لازم برای وجود علت تامه (رد گزینه‌های ۲ و ۴). اما ممکن است در عین اینکه برخی از علت‌های ناقصه موجودند، علت تامه موجود نباشد. لذا علت تامه شرط لازم برای علت ناقصه نیست (رد گزینه ۳).

نکته: هرگاه علت تامه باشد، علت ناقصه و معلول نیز وجود دارند. پس علت تامه شرط کافی برای علت ناقصه و معلول است.



هرگاه علت تامه نباشد، علت ناقصه می‌تواند باشد یا نباشد ولی معلول وجود نخواهد داشت. پس علت تامه شرط لازم برای علت ناقصه نیست ولی شرط لازم برای معلول هست.

هرگاه علت ناقصه باشد، علت تامه و معلول می‌توانند باشند یا نباشند. پس علت ناقصه شرط کافی برای علت تامه و معلول نیست.

هرگاه علت ناقصه نباشد، علت تامه و معلول هم نخواهند بود. پس علت ناقصه شرط لازم برای علت تامه و معلول است.

هرگاه معلول باشد، علت تامه و علت ناقصه هم هستند. پس معلول شرط کافی برای علت تامه و علت ناقصه است.

هرگاه معلول نباشد، علت تامه هم نخواهد بود ولی علت ناقصه می‌تواند باشد یا نباشد. پس معلول شرط لازم برای علت تامه است ولی شرط لازم برای علت ناقصه نیست.

توجه: بپه‌ها لازم نیست این گزاره‌ها رو فقط کنید. اگر معنای علت تامه و علت ناقصه و قاعده‌های علیت و ضرورت بخشی میان علت و معلول رو فهمیده باشید، کافیه فرض این گزاره‌ها رو تصور کنید تا کلمشون رو متوجه بشیرا

سوال ۲۴۹ کنکور انسانی ۱۴۰۱

۲۴۹- کدام عبارت درست است؟

(۱) معلول با صرف نظر از علت خود، امکان ذاتی دارد؛ اما غیرممکن است که با وجود علت تامه یا ناقصه، بر حالت امکان ذاتی باقی بماند.

(۲) هیچ فیلسوفی وجود ندارد که وقوع اتفاقی حوادث را امکان‌پذیر بداند؛ به عبارت دیگر، همگی باور دارند که میان هر حادثه با علل آن، رابطه ضروری برقرار است.

(۳) اگر فیلسوفی معتقد باشد که اصل سنخیت از طریق تجربه به دست می‌آید، نمی‌تواند وقوع اتفاق - به معنای نفی اصل سنخیت - را در حوادث بعدی، غیرممکن بداند.

(۴) هرچند هیوم معتقد است رابطه ضروری میان علت و معلول یک موضوع حسی نیست، اما در نهایت از یک راه تجربی آن را تبیین می‌کند؛ یعنی اصل علیت را تجربی می‌داند.

دو گزینه از گزینه‌های تفسیری و پیچیده کنکور مربوط به هیوم و علت تامه و ناقصه هستند که هر کدام به صورت میزا در دو تست ماز مطرح و تفسیر شده‌اند.



سوال ۲۴۹ آزمون جامع ۴ ماز 🤔

۲۴۹- برهان‌های «برترین درجات کمال» و «حرکت» به ترتیب مبتنی بر کدام مقدمات هستند؟

- ۱) هر جا یک خوب هست، خوب‌ترینی هم وجود دارد - حرکت بدون محرک محال است.
- ۲) مقایسه در خوبی‌ها مستلزم وجود خوب‌ترین است - حرکت بدون محرک محال است.
- ۳) هر جا یک خوب هست، خوب‌ترینی هم وجود دارد - محرک غیرمحرک وجود دارد.
- ۴) مقایسه در خوبی‌ها مستلزم وجود خوب‌ترین است - محرک غیرمحرک وجود دارد.

پاسخ: گزینه ۲ (درس ۵ فلسفه دوازدهم - ساده)

در برهان درجات کمال، پیش‌فرض این است که وجود خوب‌تر (یعنی مقایسه بین دو خوب و حکم به برتری یکی از آن دو) مستلزم وجود خوب‌ترین است. اما وجود خوب چنین حکمی ندارد (رد گزینه‌های ۱ و ۳). در برهان حرکت مقدمه این است که حرکت نیاز به محرک دارد ولی اینکه محرک غیرمحرک وجود دارد، نتیجه برهان است، نه مقدمه آن (رد گزینه‌های ۳ و ۴).

سوال ۲۵۰ کنکور انسانی ۱۴۰۱ 🧩

۲۵۰- اولین مقدمه برهان حرکت ارسطو کدام است؟

- ۱) تسلسل محال است.
- ۲) در جهان حرکت وجود دارد.
- ۳) محرکی وجود دارد که متحرک نیست.
- ۴) اگر چیزی محرک باشد، نباید متحرک باشد.

هم در کنکور و هم در ماز از مقدمه برهان حرکت ارسطو سؤال پرسیده شده است.



سوال ۲۵۱ آزمون جامع ۳ ماز 

۲۵۱- کدام گزینه از عوامل ضروری در برهان فارابی و بی‌تأثیر در برهان ابن‌سینا برای اثبات وجود خداست؟

- (۱) تعداد اشیای دارای تقدم وجودی زنجیره‌وار متناهی است.
 (۲) موجودات پیرامون در وجودشان نیازمند به علت هستند.
 (۳) وجود یک علت نسبت به وجود معلول آن تقدم دارد.
 (۴) سراسر وجود معلول را نیازمندی و وابستگی فراگرفته است.

پاسخ: گزینه ۱ (متوسط - درس ۶ فلسفه دوازدهم)

برهان فارابی از امتناع تسلسل علل نامتناهی استفاده می‌کند لذا تعداد اشیای دارای تقدم وجودی زنجیره‌وار یعنی همان تعداد اشیای سلسله‌علل باید متناهی باشد تا این برهان ثمربخش شود. اما در برهان ابن‌سینا چه تعداد این اشیا محدود باشد و چه نامحدود، یک وجود واجب‌الوجود بالذات اثبات می‌شود. گزینه‌های ۲ و ۳: هر دو برهان به نوعی این مقدمات را مطرح می‌کنند. فقط ابن‌سینا این نیازمندی معلول به علت و تقدم علت بر معلول را به واسطه نیاز معلول به عامل ضرورت‌بخش و تقدم این عامل بر وجود معلول توضیح می‌دهد. گزینه ۴: این دیدگاه مختص برهان ملاصدرا است، نه هیچ‌یک از این دو برهان.

سوال ۲۵۱ کنکور انسانی ۱۴۰۱ 

۲۵۱- کدام عبارت درست است؟

- (۱) یکی از نتایج مهمی که ابن‌سینا از برهان خاص خود بر اثبات خدا می‌گیرد این است که واجب‌الوجود بالغیر وجود دارد.
 (۲) فارابی و ابن‌سینا در براهین خود بر اثبات خدا، هر یک به شیوه‌ای، اصل علیت را مورد تبیین و بررسی قرار داده‌اند.
 (۳) فیلسوفان مسلمان براساس این اصل که هر چیز علتی دارد، نتیجه می‌گیرند که سلسله علت‌های جهان به یک علت غیرمعلول منتهی می‌شود.
 (۴) هر برهانی که اثبات کند در رأس سلسله‌علل، باید یک علت غیرمعلول باشد، در عین حال که محال بودن تسلسل را نشان داده، وجود خدا را هم اثبات کرده است.

موضوع اصلی سؤال کنکور، تحلیل برهان فارابی و ابن‌سینا برای اثبات وجود خداست که تست ماز هم بر روی همین دو برهان متمرکز بوده است و نکاتشان را در پاسفنامه شرح داده است.



سوال ۲۵۵ آزمون جامع ۳ ماز 

۲۵۵- «کثرت در عین وحدت و وحدت در عین کثرت» در حکمت متعالیه به چه معناست؟

- (۱) فقط وجود اصیل است و جنبه‌های کثرت واقعی نیستند.
 (۲) عامل وحدت و کثرت، خود وجود است، نه هیچ چیز دیگر.
 (۳) اعتبار ذهن می‌تواند امر واحد را دارای کثرت نشان دهد.
 (۴) مفهوم نور از جهتی واحد و از جهتی دارای کثرت است.

پاسخ: گزینه ۲ (متوسط - درس ۱۱ فلسفه دوازدهم)

این عبارت بیانگر دو اصل «وحدت حقیقت وجود» و «مراتب داشتن وجود» است. یعنی در عین اینکه وجود به عنوان وجه مشترک اشیا، تنها واقعیت عالم است و کثرت به معنای واقعی بودن چیزی جز وجود، جایی در عالم ندارد ولی خود وجود دارای مراتب مختلف است و خودش عامل پدید آمدن نوعی کثرت در عالم می‌شود. پس کثرت‌ها عاملی جز خود وجود ندارند همان طور که عامل وحدت هم خود وجود است.

بررسی سایر گزینه‌ها: 

- گزینه ۱: اولاً جنبه‌های کثرت مربوط به ماهیت، واقعی نیستند ولی کثرت مراتب وجود، واقعی است. ثانیاً این عبارت معنای عبارت صورت سؤال نیست زیرا به ریشه واقعی کثرت اشاره‌ای نکرده است.
 گزینه ۳: این عبارت مربوط به واقعیت است، نه امور اعتباری و ذهنی.
 گزینه ۴: مطلب درستی است ولی «نور» صرفاً یک تشبیه برای «وجود» است تا معنای «وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت» را درست متوجه شویم، نه اینکه خودش معنای این عبارت باشد.

سوال ۲۵۵ کنکور انسانی ۱۴۰۱ 

۲۵۵- با توجه به نظام فلسفی ملاصدرا، کدام عبارت درست است؟

- (۱) برهان خاص ملاصدرا در اثبات خدا، فقط با در نظر گرفتن اصالت وجود، وحدت حقیقت و مراتب داشتن آن، قابل فهم و تبیین است.
 (۲) ملاصدرا براساس سه اصل اصالت و وحدت وجود و مراتب داشتن آن، نظام جهان را تبیین می‌کند و حق را غنی بالذات و خارج از این نظام می‌داند.
 (۳) براساس اصل اصالت وجود، تنوع و کثرتی که در موجودات جهان وجود دارد، حاکی از وجودهای مختلفی است که همگی از وجود یگانه‌ای هستی گرفته‌اند.
 (۴) تفاوت ملاصدرا با عارفان در مسئله وحدت حقیقت وجود، این است که وی آن را مستدل می‌کند و نشان می‌دهد که کثرت، به جنبه ماهوی موجودات باز می‌گردد.
سؤال کنکور پیرامون اصول فلسفی ملاصدرا است و سؤال ماز هم به همین سه اصل پرداخته است و به ویژه رد گزینه ۳ کنکور در این سؤال کاملاً توضیح داده شده است.